1



عالیجاه عزتلو [illegible] [illegible]

مبلغ [illegible] عالیجاه [illegible] احسان [illegible]

[illegible] ارسال [illegible] عوده گوندرلنه

[illegible] [illegible] اعصرها [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

موجودات [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] ۱۲۱۱ [illegible]



Fermân de Nacer-ed-Dîn
Châh Qâdjâr. Daté de
l'année de l'Hégire
1270 = (1853)





آنکه عم اکرم فرخنده شیم کامکار معتمد الدوله بهرام میرزا حکمران مملکت آذربایجان بوفور الطاف خاطر شاهانه

که چون فراغ بال و رفاه حال رعایا و برایا و سکان و قطان ممالک محروسه ایران عموما و اهالی مملکت آذربایجان خصوصا منظور نظر ملاطف گنجور و معطوف خاطر خیر مرحمت دستور اعلیحضرت

و پیوسته خاطر مهر مظاهر مبارک مایل و طالب اینکه اوقات خاصه ما دائما مصروف این آید تمامی مردم از وضیع و شریف و غنی و فقیر و برنا و پیر اناثا و ذکورا صغیرا و کبیرا در ظل معدلت

و در مهد امان غنوده با فراخی نعمت و وسعت معاش بعیش گذرانیده از رهگذر نان که قوت غالب و مایه راحت و کذران همگان است عسرت و تنگی نکشند و زحمت و سختی نبرند هر چند که گرانی و ارزانی

و حبوبات و ترقی و تنزل هر یک از ماکولات منوط باقتضای زمان و حکمت و مصلحت خالق انس و جان است ولی آنچه بر رای ممالک آرای سلطانی معلوم و هویدا و بر مرآت

روشن و پیدا آمده اینست که این تسعیری که حالا در غله آذربایجان بهم رسیده و استیلایی که در امر معاش فقرا و ضعفا پیدا گردیده بواسطه احتکاریست که بعضی از اغنیا و صاحبان املاک در دار السلطنه

میکنند و این رسم بد را سد باب بیع و شرای غلات مینمایند و حال آنکه عمل احتکار شرعا و عرفا مذموم و ممنوع و از هر جهت و هر حیثیت نامطبوع است با وصف این اکثری از ...

شعار و دثار خود کرده اغلب اوقات احتکار میکنند و غله را در انبار حبس نموده از فروش آن مضایقه مینمایند که نرخ آن بالا برود و بقیمت اعلی بفروشند بنابراین حالت بر واضح است که کار فقرا

و مساکین و غربا و متردین بعسرت و تنگی میکشد و در امر معیشت و گذران مردم محتاج پریشانی میشود این معنی در حقیقت با نظم مملکت داری و مراتب حق گذاری ما منافی و مباین است لهذا

مطابق سال قوی ئیل خجسته تحویل است و موکب مسعود همایون انشاء الله الرحمن از دار السلطنه تبریز حرکت میکند و بدولت و اقبال عازم دار الخلافه طهران است بصدور این منشور قدر دستور ...

و قدغن بلیغ و شدید مقرر میداریم که آن عم اکرم کامکار با صواب و استحضار امیر الامراء العظام ... کمال مراقبت و اهتمام را در ... آورده دقت و مواظبت تام تمام بکند که اولا بعد از این احدی در تبریز

و سایر بلاد آذربایجان احتکار نکند و غله را در انبار حبس ننماید هر کس هر چه دارد علاوه بر ما یحتاج خانه و عیال خود در بازار بقیمت عادله بفروشد که مردم به سهولت جمیع ضروریات و مایحتاج حبوبات

حتی هیمه و ذغال ... با نرخی که معین میشود بیع و شری کنند و در انبار نگاه ندارند بلکه آن ... از اهل کار معین و مامور نماید که دایم الاوقات مواظب باشد که مردم ... [illegible]

و نرخ ... [illegible] ... آن جنس را ضبط کرده صاحب آنرا تادیب و تنبیه کامل نماید ... [illegible]

در دار السلطنه تبریز و سایر ولایات گوشزد خاص و عام ... [illegible]

3



٤٠

[illegible]

مبلغ [illegible]

[illegible] الدولة العلية

[illegible]

قبل [illegible] مرقوم

١٢٢٤

[illegible]





[illegible] را از قرار مرقوم شد

این بنده محقر [illegible] از روز [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] که [illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] ۲۰ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] چاکر که [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

هو الله تعالی



[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] ان شاء الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

جنرال [illegible]

نیز لازمه [illegible] که در تعهدات [illegible]

[illegible]

چون [illegible]

[illegible]

عالیجاه رفیع جایگاه عزت و اجلال پناه مکرمت و اجلال دستگاه عمدة الاعاظم العیسویه [illegible]







عالیجاه رفیع جایگاه کیاست و فطانت انتباه فرانسه بنیاد [illegible] اساس دوستی و مودت شعار [illegible]

همواره قرین انواع تفضلات حضرت رب العطیات بوده کامیاب حصول مراد و مطالب در جهان باد [illegible]

مراسم یگانگی و شیوه دوستی و مودت پیرامیده که مکتوب محبت اسلوب در زمان طالب خوب رسید [illegible]

سعادت حال مودت خصال و همه مطالب و مآرب نهایت شادمانی رو آورد حاجب محبت [illegible] فقره ای که در باب

عذر تحریر ترجمه نامه [illegible] که بوده [illegible] است که آن دوست [illegible] بهیچوجه مضایقه نیست [illegible] حاصل

و در [illegible] که اگر آن فرانسه [illegible] باشد [illegible] ترجمه [illegible] است [illegible] دیگر

جزئیات باعث نقص و قصور [illegible] عالم [illegible] مرات محبت [illegible] تحریر

[illegible] که بار [illegible] در [illegible] چه [illegible] کلمه [illegible] نموده

[illegible] نگارش [illegible] دوست [illegible] که [illegible] تقدیم [illegible]

هو الله تعالی [illegible] حفظه الله تعالی [illegible]

7

هو

عالیجاها [illegible] عزت همراها [illegible] دوستا [illegible]



مراسله محبت مواصله آن عالیجاه در بهترین وقتی از اوقات سمت وصول یافت از صحت وجود گرامی آن عالیجاه آگاهی [illegible]

کمال مسرت و [illegible] و در خوشحالی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از دفعه نظر [illegible]

هنگام ملاقات اشتیاق هم با [illegible] شد و همواره منتظر [illegible] باشد که روز [illegible] [illegible]

صحبتی [illegible] چه در خواب و در تبریز و چه در تهران و [illegible] ملاقات [illegible] واقع

گرفتاری [illegible] بوده فرصت مصاحبت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] فراغت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دیانت [illegible] [illegible]

جناب عالی [illegible] غرض [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] منزل [illegible] [illegible] اوقات [illegible] [illegible] مصاحبت [illegible]

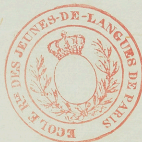
[illegible] قرار [illegible] عمده [illegible] العظام [illegible]

۱۹۴۲



Piece remis le 30 aout. 1808

عالیجاه رفیع جایگاه عمدة الخوانین جنرال غاردان خان ایلچی



سفیر بزرگ دولت علیه فرانسه در خصوص تعیین ... امیرالامرا ... انتظام و رفع اختلال

... بطرف کردستان برای امر قلعه چولدان که تعلق به ... این ایالت

اظهار نموده ام که میان دولت علیه ایران و دولت بهیه عثمانیه کمال دوستی

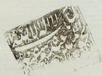
و یک جهتی است و مکان ها خوشی و عداوت ندارد و غرض از این

عمل ... این است که از عبدالرحمن پاشا کرد و گرفته ... سامان ... است ... وزیر

بهر دو امرا و سرحد الواقع نظر دوستی بین الدولتین ضبط سازد

با وصف دوستی و اتحادی که میان هر دو دولت است چگونه بشود

[illegible]



9

عالیجاها مصلحت آگاها دوستا مهربانا

در این مفارقت قرار و مدار فیمابین اندوخت و این خبر رسیده بود قرار و ... ایران و روس برقرار

هر بار نوشته‌اید در روزنامه‌ها خبر میرسید که طایفهٔ انگلیسیه مخذول و خائب و خاسر می‌شوند

حالا که خود نوشته‌اید ... مطلع است شجاع ... آن ... حجت نیست شنیدیم

والی حالا مدتی میگذرد که چشم انتظار داریم ... خبر بهجت آثار ... اندوست

مباشد چرا ابنیت این چاپار را تا حالا معطل کرده‌اند چاپارت میرسد ...

نفر مخصوص ... مطلع اند که طایفهٔ انگلیسیه در کشتی کرور ... نقد آورده‌اند ... نظام

معهود هم گردیده که هر قدر بخواهد علاوه بر کشتی کرور خرج ... از راه ... مدد اولوب

خرج میکنیم دولت دشمن شاه را ... بالای این حالت ما شما را جواب که زود روانه نمائیم

مع هذا استحکام ... را ملاحظه بفرمایید که چه مرتبه است جواب ... تا حالا مرا حواله ...

[illegible]



رسید در یوم ۲۵ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۲۲

عالیجاه دوست همراه احمدی ... خان ... (۱)

۸۵





A traduit de [illegible]

برادر مهربانی و موالات نشانا [illegible] که از شدت الم مفارقت و از شدت غم مهاجرت چه بنویسم که قلم از تحریر آن عاجز

و کاتب تمهید کیفیت [illegible] از آنکه همه شوق ملاقات بدرجه کمال رسیده بود و بر هر روز ساعت بساعت [illegible] گردیده است

هر چه که صحیفه المعه در مقام استعلام مجاری احوال برآید ضمنا اظهار میفرماید که در حین ملاقات متعهد و متقبل شده بودی

و در باب [illegible] فیمابین دستدار دولت [illegible] جنبش شده بود که امر با کلم بهادر وکیل [illegible] منتو صاحب بهادر گورنر جنرال را

[illegible] و امر طایفه روس [illegible] مدت [illegible] خبر [illegible] دستدار [illegible] عدالت ارکان



[illegible] وارد دار العلم شیراز و شرفیاب حضور لامع النور نواب مستطاب ملک رقاب معلی القاب بندگان [illegible]

فرمانفرمای مملکت فارس گردیده با کلم بهادر وکیل که در بندر ابوشهر نشسته بود بمحض استماع رسیدن آن دستدار در دریا

بغرابت نشسته [illegible] داران دولت [illegible] خبری نرسیده [illegible] ندانستم که چه کرده اند و در چه کار مشغولند و سخن ما کلم [illegible]

امنیت که [illegible] طایفه [illegible] دروغ و خدعه و مکر است و پادشاه جمجاه انجم سپاه ایران ما را از حفظ [illegible]

پانصد هزار [illegible] و با دشمن شاه دعوا میکنیم و از راه دریا تا هر جا که از مملکت روس راه [illegible]

دعوا نمائیم و تبریز و ولایت [illegible] خراب و منهدم میسازیم و اگر مدت ده سال [illegible] در طول انجامد [illegible]

و اخراجات از جیب [illegible] میکشیم و اگر از راه خشکی [illegible] هزار [illegible] نقد [illegible] میدهیم و [illegible]

از جیب خود [illegible] با دشمن شاه دعوا میکنیم و شاه جمجاه انجم سپاه ایران [illegible] هزار سوار [illegible]

شاه را در [illegible] میکند [illegible] خدمت [illegible] دستدار [illegible] جواب گفته ام که هرگز شاه جمجاه

[illegible] سپاه با انگلیس و دولت انگلیسیه دشمنی [illegible] شاه جمجاه ایران

[illegible] فرانسه [illegible] فیمابین [illegible] منظور [illegible] و دولت انگلیسیه [illegible]

با دشمن پادشاه ایران بی مصرف و بی مفید است و در هیچ سمت طایفه انگلیسیه را [illegible] نخواهیم داد [illegible]

[illegible] در میان دریا [illegible] الان [illegible]

[illegible] دستدار بنویسند که مطمئن خاطر جمع شده باشم ان شاء الله تعالی [illegible]

که [illegible] قول آن دولت [illegible] آینده باشد که [illegible] آن دولت [illegible]

دستدار است خلاصه ما کلم بهادر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

11

هو

Reçu le 5. août 1808.

Delamain néveu de Mr. Baz[illegible]

عالیجاها عزت همراها فرزند مقاما

مراسله دوستی مواصله به همراهی محمد قزل [illegible] فرزندی ابوالقاسم ارسالی داشته بودید در بهترین اوقات [illegible]

غ وصول ارزانی داشته از صحت وجود حضرت [illegible] بهجت [illegible] دو [illegible] که از [illegible] دارو [illegible]

و خشنودی بهم رسانیده اظهار [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] طلب [illegible]

بالتمام از خوب الدره مقام [illegible] و هرگونه محبت و ارزانی خوب الدره مقام [illegible] اگرچه [illegible]

[illegible] از [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] اگرچه [illegible]

همه وارد است [illegible] فرصتی و قدرت برین امور منظور [illegible] احوال [illegible]

[illegible] جنرال مطلق [illegible] حالتیه است [illegible]

[illegible] خاطر [illegible] جلالت خود و شما را مهمات الحسن [illegible]

و هرگاه [illegible] [illegible] [illegible] ایام [illegible] کلام [illegible]



Lettre de Hassan Khân.

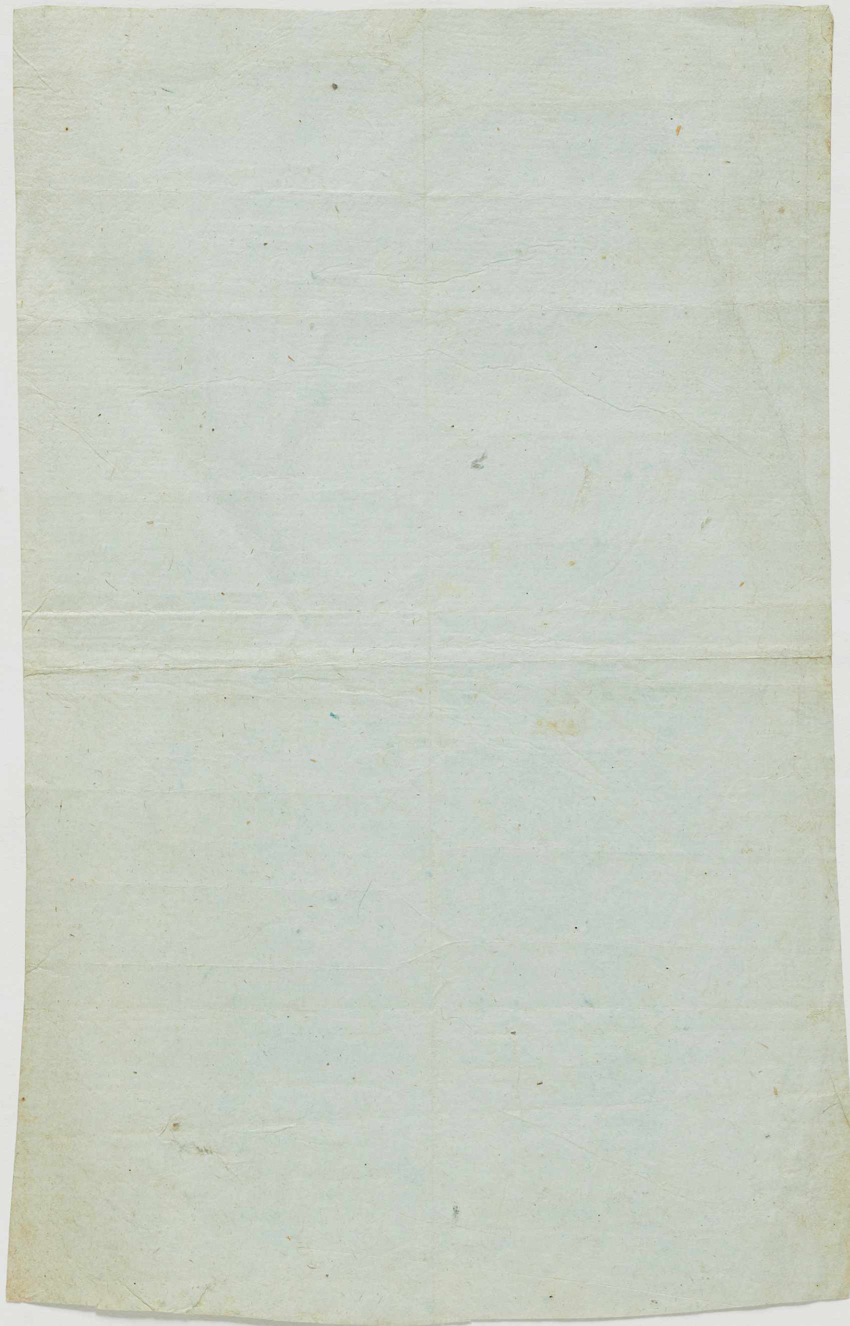
La lettre amicale que vous m'avez écrite au sujet des relations épistolaires de M. Lajard m'est parvenue et je l'ai lue.

Pendant que j'étais à Iréwan et que Gudowitch assiégeait cette place M. Lajard ~~y~~ arriva auprès de Gudowitch, d'ordre de Sa Hautesse et m'envoya des lettres de M. le Général Gardane dans lesquelles son Excellence demandait des nouvelles de ma santé: M. Lajard m'écrivit à cette occasion qu'il était venu auprès de Gudowitch et avait fait des propositions ~~au~~ auxquelles le général russe ~~[illegible]~~ avait répondu que son Souverain lui avait ordonné de s'emparer de la forteresse d'Iréwan: et puisque Gudowitch avait rejetté les ouvertures qui lui avaient été faites et poursuivait le siège M. Lajard m'invitait à épargner l'inutile effusion du sang de la garnison et à me rendre à un accommodement. Je répondis à M. Lajard que si le Monarque de Gudowitch lui avait ordonné de prendre la forteresse, mon Roi m'avait commandé de la défendre qu'en conséquence, Gudowitch fit ce qu'il put. J'expédiai sur le champ la lettre de M. Lajard et de Gudowitch à S. A. R. le Prince héréditaire, et je ne l'ai pas

Traduit à Thehran
en 18..

A. N.

[illegible]



[illegible]



عالیجاه بلند جایگاه عزت و رفعت همراه ارجمندا



همواره قرین صحت و عافیت بوده کامیاب جهان باشند بعد از طی مراتب رسمیه

مشهود میدارد که چون خاطر محبت مظاهر مشتاق حصول اطلاع از حالات عزت دستگاه طالب

و مایل بود ابواب محبت که مفتوح نخواهد لهذا در این وقت دراریم عازم

بود از فرط محبت بمقام احوال پرسی برآمده تحریر این مراسله کوتاه حسب

مدتهاست از عالیجاه عزت دستگاه کاغذی و خبری نرسیده اولاً مراسله

مسدود داشته از شیوه دوستی خلاف است باید همیشه اوقات

مکاتبه و مخابرات را با ابواب دوستی مفتوح داشته باشند

حرره بتاریخ ... فی ... سنه ...



عالیجاه رفیع جایگاه عزت و شوکت [illegible] مشفق مهربان [illegible]

در این [illegible] [illegible] مهربان [illegible]

و [illegible] عالیجاه [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] الملوک [illegible] حضور [illegible]

[illegible] دوستان [illegible]

[illegible] مهربان [illegible]

[illegible] دولتین [illegible]



15

هو الله

سواد نامهٔ سلیمان پاشا که بایلی، میرزا محمد شفیع وزیر اعظم ایران نگاشته

عنوان طراز صحیفهٔ محبت و مودت ... [illegible]

وصف ... [illegible]

و اضطرام ... روشنان ... [illegible]

[illegible]

سواد نامه که بالیوز بغداد ... [illegible] نوشته

[illegible]



16



مشفق مهربانا آقای ... که در ازمنه [illegible] توقعی صحیفه ای که صحیفه اتحاد میگردد که مراسله

دوستی را که این برادر کامکار که در این زمانه [illegible] رقمی داشته بعد در زمانیکه ... احوال پرسی

مودت اساس مترصد وصول مژده ملاقات ذات مجمع صفات بوده حسب دلخواه استقبال نمودم

سعادت امتزاج غایب خدمت صاحب کعبه و دیگر ذات [illegible] الله [illegible] در انتظار

خوب و دیگر [illegible] خوش تمام که [illegible] دارم [illegible]

اعلام داریم و دیگر در [illegible] خود که با تمام این کارها [illegible]

قیام نمایند و ظاهر [illegible] در ایران حسن عهد و درستی گفتار و درستی [illegible]

تا قیامت باقی باشد [illegible] الطاف [illegible]

[illegible]

مراسله اشرف عالیجاه [illegible] دستور ارکان عمدة الاعاظم المسیحیه موسیو [illegible] دولت [illegible]



17

lettre de Mirza Buzurk à M. J. M. Jouannin.



عالیجاها رفیع جایگاها مجدت و جلالت همراها فراست و فطانت انتباها عزت و شوکت آگاها مهربانی [illegible] محبت فرما

انشاء الله تعالی ابواب عزت و کامکاری بر چهره احوال سعادت اشتمال همی مفتوح گشاده بوده کام مآرب به تمام مشرب از سرچشمه مراد [illegible]

دوستی و دولتخواهی و رای [illegible] در این اوقات مکتوب محبت اسلوب که قلمی و ارسال داشته بودند واصل و از صحت وجود شریف [illegible]

درباب خوشی احوال عالیجاه جلالت دستگاه [illegible] [illegible] العلویه [illegible] [illegible]

پادشاهی و انجمن دولت فرانسه [illegible] دانسته [illegible] از وصول [illegible] [illegible] [illegible] خوشی احوال

رسیده و قطع [illegible] [illegible] نوشته [illegible] [illegible] رسیده [illegible]

عالیجاه [illegible] [illegible] محبت [illegible] دوستان [illegible] نوشته بودند [illegible]

[illegible] و دولتخواهی دولت قاهره [illegible] [illegible] که [illegible] عزت [illegible]

[illegible] اوقات عالیجاه [illegible] [illegible] اصلاح اندیشی دولت قاهره [illegible] [illegible]

و بحمد الله [illegible] [illegible] [illegible] که نوشته بودند [illegible]

[illegible] رفع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

داشته بودند [illegible] جواب صادر و ارسال نمود [illegible]

[illegible] نوشته [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ارسال [illegible]

سواد

[illegible] الله صاحب فرانسه [illegible] روانه [illegible] موسی یوسف [illegible] همراه [illegible] صدارت [illegible]



[illegible] فسخ [illegible]

[illegible]

8V



مراسله ایلچی [illegible] حاجی حسن ارسال نموده بود رسید [illegible]

reçu le 11 août 1809



مضمون [illegible] از قرار مضمون [illegible]

[illegible] ذات ملک رقاب نایب السلطنه ولیعهد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نایب السلطنه [illegible]

[illegible] روز بروز [illegible]

[illegible]

[illegible] در مقام اظهار مطلب [illegible]

[illegible]

[illegible] ایران [illegible]

19

Le 1er 7bre 1809.



یا ایها رفیقی یگانه عزیز و گرامی منت [illegible] عمره الله تعالی [illegible]

از آفات روزگار زیرا روزی [illegible] خوشوقت و مسرور نشده [illegible] رسوم دعا [illegible] حافظ [illegible] الله

[illegible] حضرت شما [illegible] مدرسه اصحاب مسرور [illegible] در باب [illegible] و [illegible] داری [illegible]

در این [illegible] کرده در باب علم اصول [illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible] ان شاء الله تعالی و [illegible] حقیقی و [illegible] گرامی [illegible]

[illegible] در روز [illegible] در همه حال [illegible] شما [illegible]

[illegible] همه [illegible] که [illegible] فصل [illegible] حال [illegible]

[illegible] در باب [illegible] تعالی [illegible]

[illegible]

الله

صحه الیوم [illegible] [illegible] الله [illegible]





20



عالیجاها رفیع جایگاها محبت و اخلاص بنیادا مهربان دوستا مشفقا مودت آگاها

انشاء الله پیوسته در تمامی مدارج عزت و کامرانی بعید الحال بهر گونه مهمات شایسته کامیاب و بکام باشد

بعد از شرح مراتب مخصوصیت و شکر از مراسم محبت معهود در این روزها قصهٔ آن عزیز رسید

که بر سلسلهٔ دوستی نو رابطه بجلوه گاه که از فرط یگانگی در مقام احوال پرسی در سال

در آمده مصحوب عالیجاه مقدس القاب فضایل و معارف اکتساب حقایق و دقایق آداب صدق الکرام آخوند

حاجی ملا علی اکبر الهیاری داماد که در بعد از شمول پر رفته از جمله ... با ابتهاج

آن عزیز خاطر محبت پژوه قرین انواع مسرت و سرور گردید و دل محبت منزل ... خاطر

... آمده ... مخفی ... منظور ... از خاطر داشته

... که عالیجاه ... الله ... و ولدی ... از حضرت ... این صحیفه کرده

همیشه اوقات نگارش ... خاطر محبت ... و مسرور ... ۱۲۴۸

[illegible]



21

در حضور عالیجاه رفیع جایگاه عمده الخوانین جنرال غاردان سرکرده کان فرانسیس مکالمه

و گفتگو شده که هرگاه رای مبارک خسروانه بر عزیمت پادشاه جمجاه فلک بارگاه

فرانسه قرار بگیرد که برای امنای دولت ایران از روی لطف و مرحمت نشانه بفرستد

از این قرار بوده باشد



دوات قلمدان	انگشتر بهره جعفری که جوهر صحیح بیانه	قوطی که صورت مبارک پادشاه در انجا باشد	نشان شیر ایران فرانسیس برای سرکرده کان خاص
ساعت مخصوص که جوهر صحیح بیانه	طپانچه مخصوص		

چنین در عهدنامه اقرار شده بود که هروقت برای تسخیر هندوستان از راه خشکی اراده پادشاه فلک بارگاه

فرانسه از سمت ایران قشون پنجاه هزار است که قدر و مقدار سپاه مرقوم برامنای ... اسباب ... آگاه شود

در راه را مشخص فرموده برای انضباط تدارک و سایر تهیه تدارکات ضروریه که خود تعیین خواهد نمود

اذن مجدد داده آمدن قشون را از کدام راه و به چه وضع با اذن فرمودن پادشاه منوط باشد

[illegible]



هو

[illegible] فرزندا

[illegible] رسید و [illegible]

عریضه خدمت [illegible] نواب [illegible] رکاب ولیعهد نایب السلطنه [illegible]

آنچه در باب [illegible] نوشته بودید [illegible] انشاء الله [illegible]

قدرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رکاب ولیعهد نایب السلطنه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



عالیجاه دیکهی عمده الملک ، حمد الله سراف المسیح در ۱۲۷۸ [illegible] نواس شکر [illegible]

علیها السلام

الله عمر





عالیجاها [illegible] مهربانا

نوشته دوستی [illegible] در باب [illegible] در خصوص [illegible] دولت [illegible]

حاصل شد در باب [illegible] دوستی [illegible] معلوم شد

در این باب معلوم بوده است آن [illegible] در خیرخواهی دولت ایران [illegible] خودداری نمیکنند [illegible]

در این امر [illegible] تمام خواهد کرد [illegible]

دوستی [illegible] نواب [illegible] خیرخواهی [illegible] اعظم [illegible]

جنرال [illegible] خان [illegible]

در [illegible]

[illegible] ۱۲۵۵ [illegible]



24

مشفقا مهربانا [illegible] ملاقات بر لوحه ضمیر [illegible] نگارد که بعد از حرکت و روانه شدن آن برادر

کامکار به سفارت [illegible] روانه دار السلطنه تبریز و تشریف حضور نواب مستطاب والا روحی فداه گردیده عریضه آن برادر مهربان

بنظر کیمیا اثر نواب اشرف والا رسید و سفارشات زبانی را نیز بطور الیق مرغوب عرضه داشت [illegible]

ساحت نواب مستطاب والا را نه مرتبه انبساط و ابتهاج از حسن صداقت و راستی و حق شناسی آن برادر کامکار حاصل شد

[illegible] در هر روز و در هر صفحه شرح توان داد و همان عریضه شما را برای اثبات عهود و تعهدات و راستی پیمان و انعقاد [illegible]

معدلت مدار اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی [illegible] که بیشتر باعث دلگرمی و اطمینان خاطر اولیای دولت علیه

از صدق گفتار امنای شوکت بهیه اعلیحضرت [illegible] امپراطوری شد با جمله نواب اقدس والا تا این مرتبه در باب

دوستی دو دولت ساعی و دقیقه ای از غیرت و حمیت اولیای دولت علیه امپراطوری معاف و مسلم [illegible]

آن برادر کامکار نیز بیاد آنچه توانند و دانند که خصوص امور [illegible] تعهد آورند و فی الحقیقه هرگاه فواید [illegible]

حمیت و شرمساری نواب والا خواهد بود که با این همه تعهدات و غیرت [illegible] و هم موجب [illegible] اولیای دولت بهیه

در دوستی ثابت قدم و راسخ دم نگردند و بعلاوه دشمنان این دولت را زبان ملامت باز و دولت [illegible] دراز خواهند

و همچنین نزد همسایگان غیرت از هر چیز دشوارتر است به هر صورت نواب مستطاب والا [illegible] اند و لیکن چشم انتظار در راه داریم

به عنایت خداوند آن برادر کامکار به زودی [illegible] المرام مرخص و [illegible] معاودت [illegible] زیاده از این آن برادر مهربان

[illegible] در همه کار آگاه [illegible] و دیگر آنکه [illegible] در دار السلطنه تبریز [illegible]

[illegible] صداقت و راستی شما [illegible]

[illegible] زیاده از پیشتر در باب استحکام دوستی دو دولت ساعی [illegible]

نوشته ام که صدق گفتار [illegible] از همان کاغذ بر شما معلوم خواهد شد و دیگر آنکه [illegible]

[illegible]



[illegible] الله [illegible] حرره [illegible]





مشفقا مهربانا مودت علامتا

بعد از اظهار مراتب دوستی و محبت بر لوحه ادراک مینگارد که بعد از روانه شدن

ان برادر کامکار را الان موازی یکطغرا مرقومه از شما بدولت دوست رسیده در منزلی که ان دوست در ارزنة الروم بود

در ان دوست سه طغرا کاغذ بنا نوشته است و بتعید خاتم لطایفیکه فرموده بودید که بعید از ... دارد امید است که از درگاه الله صدور

هرگاه جویای احوال ان دوست باشد بعض عذری ... حال تحریر اوایل شهر ربیع الثانی ۱۲۰۰ در حضرت السلطان

رفعت بنواب مستطاب والا مشغول خدمات مرجوعه که خود میباشد و با موشی حمایت نواب مشار تفاوت ان برادر کامکار صدور

وقوع منزلت و همواره چشم انتظار در راه میباشد به توفیق خداوندان برادر کامکار هر گاه که صدورت دالّه مقتضی الحرام دوستی کام

مراجعت نمایند در دشمنان را مایه خجلت و سرمایه شکوه و نواب مستطاب والا هم نهایت شعف و مرحمت نسبت ... ثابت

را همه از هم میشناسند خلاصه اینکه مستر ... هم در این میباشد و با این دولت علیه ... با شما نهایت عداوت اظهار میکند اما این

[illegible]

[illegible]

25

عالیجاه رفیع جایگاه دوستی و مودت آگاه عمدة الاعاظم المسیحیه موسیو [illegible] [illegible] دام [illegible]



۱۷

26

کیهان فروز باغ عزت و عظمت و شمع شبستان مجدت و جلالت کیوان اساس فخامت و نبالت انگلیس اعنی وزیر و صدر شوکت و شجاعت عمده الکبرا المسیحیه

بمقتضای حکم العبودیه جنرال ... را اعلام اعلام آنکه عریضه اخلاص در این اوان بمحبت ثمر آن با کلک صداقت و راستی ... و ما بلاغ

ارادت و هواخواهی ارادت دارا بسپهر عزت ... و داشته بود و در کیهان و شاهان و عظمت عهد طراز در هوای شهریاران نغور

و استبشار از اخبار فتوحات آن دولت منصور در پرده ... در حضور سپهر مقام و مرضی آن از ... بانام معروض و شنود ... مهر ارام تکرار

کیفیت ... منصوری نشان ظفر اثر حضرت ملک الملک امپراطوری را که در حقیقت ... نصرت اولیای دولت ... است

بهاران و روشن نگارش داده بود شهود آن موجب سرور خاطر و مواجدت و منور گشت از اینکه در خصوص طایفه انگریز معروض ... صواب انگیز داشته بود

پیشه دانند اگرچه هیچ طایفه فریب و تلبیس ... و از کشود ابواب آمدند مقصود شان اینکه بوسیله مکر و حیله در مملکت ایران راه یابند

و در طریق هندوستان در صدد این مملکت ... تصرف ... بلاد و ... حیله و ... است ولی ... تمدار

بخت و حفظ ... و تخت مملکت ایران را ... ساحری را اعجاز ... وجود ... سحره انگریز را

از معامله ... تیغ ... شاهان ایران ... قدر ... حیله انگروه بر اولیای دولت ... بوضوح پیوسته ...

یاس ... دولت ... ... اولیای دولت ایران و ... در ... ابواب ... او

و امید ... آن طایفه ... واصل ... گروه را از حدود ممالک محروسه سلطانی و ... کنند

که ... مقتضای شرائط یکدلی و ... در این باب اظهار کرده ... را بر لوازم مصلحت ...

و خیر خواهی ... دار ... در ... عزت و ... که ... را ... که در ... حدود

پیوسته ... و دوام ... همیشه ... و ... در کارگذاران این دولت قدیم ...

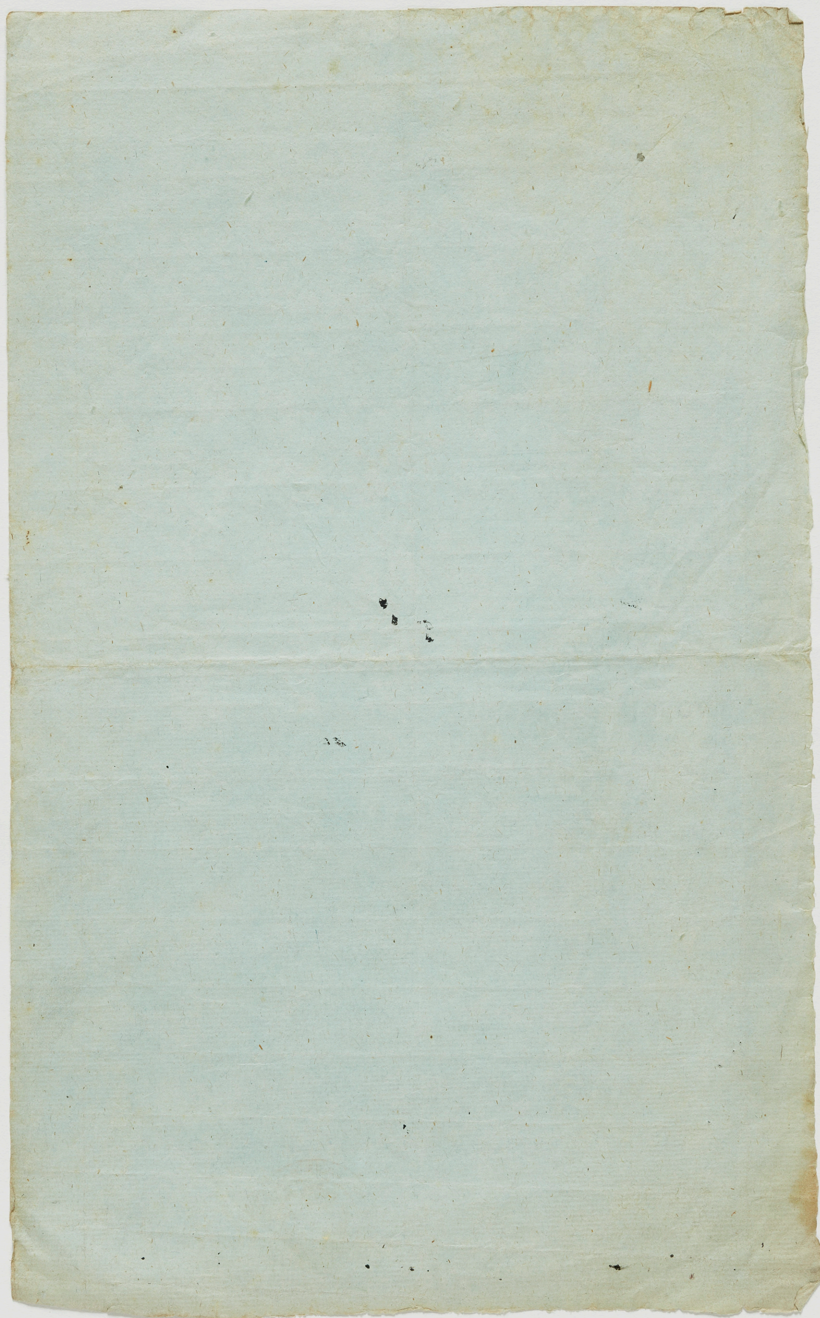
علیه ... در طریق ... و ... مستقیم ... مخالف ... دولت علیه ... در حقیقت دشمنی ...

خواهد بود ... عزت ... از ... آن ... که از جانب اولیای دولت ...

و ... نکته ... مصلحت ... علیه ... پیوسته ... تحریر ... ...

پردازد و ... فتوحات ... صمیم ... تحریر ... و ... سرور ... پردازد





27

Reçu le 28 juillet 1854

همواره کوکب طالع الظهور بخت و اقبال و اختر باهر النور علیجاه رفیع جایگاه منیع نکال الدوله ... دستگاه الحشمت و ... مشار

بهجت و سلالت کیشا ... مودت و مؤالفت آگاه عمدة الاعاظم والافاخم الدولة العلیة الفرانسه ... از مطلع

عنایات و تفضلات ایزد متعال طالع و لامع بوده از وصمت زوال مصون و مامول الامال ... مدار الشرف اضواء کواکب ... دعوات ...

مشهود رای عظمت و حشمت اقتضای مودت و مؤالفت بهرا میدارد که نامه ... و مرسله لازم الاعزاز که در مقام اظهار ... علیجاه ... اگاه

اخ ارجمند نور چشمی ... ارسال داشته بود ... و از مضمون ... که شعر ... دوستان ... مسرت ... اگاه

کمال خوشنودی حاصل گردید و علیجاه نور چشمی ... ارکان محبت ... مودت و یگانگی ... علیجاه ... مذکور ... ارتباط

خرسندی ... حاصل شد که ... فوق ان متصور نشود و حقیقتا ... ملاقات ...

اساس ... و اتحاد ... مودت ... محکم و مستحکم ... باشد ولیکن مقدور ... شد از انجا که ... ملاقات ...

بواسطه ... شهادت تام و گواهی ... کلام ... باز در حکم ملاقات میباشد ... و ان که ...

... مسرت ... بتحریر ... طریق ... مودت ... مرضیه موافق ...

که دایما ... مسرت ... هر گونه ... ایام عظمت و حشمت ...

هو المؤید تعالی

جنرال عالیشان [illegible] الفرانسه العلیه الدوله الاکبر [illegible]

Lettres de Mirza Buzurk

X

28

remise le 26 mai 1809
traduite id —

[illegible]

[illegible]

اقچه بدولت [illegible]

[illegible] شده [illegible]

سؤالت [illegible]

[illegible]

شایسته [illegible]

بو سؤال اوزره

١ اقچه بدولت علیه ویرسه

بو سؤال اوزره [illegible]

29



[illegible]

مشتاق ملاقات مسرت علامات — بعد از اظهار مراتب شوقمندی که مشوق رای مودت آرا است [illegible]

مفارقت الی الآن هیچگونه نوشته محبت سرشته از آن برادر مهربان رسیده بود تا چندی قبل از این که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه

برادر فرخنده گوهر موسی روز بس از عرض راه معاودت و مراجعت بجانب [illegible] [illegible]

آن برادر مهربان غافل نمی باشد عالیجاه مشارالیه جمیع اوراق احوال آن برادر را تقریر و بیان نمود آنقدر معلوم شد که اعلیحضرت

قدر قدرت سکندر شوکت امپراطور اعظم مرتبه آن برادر را بالا و مرتبه سرافراز فرموده از شنیدن این خبر مسرت اثر

گلهای شادمانی در بوستان خاطر شگفتن گرفت امیدوار از فضل خداوند عالم چنانست که روز بروز عزت و کامرانی

و مرتبه آن برادر فرخنده گوهر ازدیاد و برتری پذیرد [illegible] چون در موقف عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه

برادر کامکار برای مصلحت کار روانه آنصوب بود لازم دانست که یکچند کلمه در مقام اظهار محبت برآمده [illegible]

از راه محبت قلبی جویای احوال آن دوست یگانه خصال باشند چنانچه الملک العزیز حاضر [illegible]

جناب [illegible] سوای مفارقت آن برادر محبت [illegible] در صورت [illegible] تعذر دارد [illegible]

در مفارقت آن برادر بسیار دل محبت منزل گرانست و [illegible] عالیجاه رفیع جایگاه برادر کامکار [illegible] که در [illegible]

[illegible] محبت آن برادر بسرحد کمال رسیده حقیقت احوال را از آن برادر مذکور خواهند [illegible] امیدوارم که بعد از آمدن

برادر کامکار عالیجاه مشارالیه [illegible] خواهد گذشت [illegible] مفارقت عالیجاه مشارالیه [illegible]

[illegible] الایام مفارقت آن برادر بیشتر خواهد شد برای آنکه [illegible] مفارقت آن برادر [illegible]

صحه الوداد ماه ربیع‌الثانی [illegible] همراه [illegible]





عالیجاها رفعتا دولتا شوکتا عزتلو سعادتلو سلطانم افندم



همواره قرین صحت و عافیت ذات عالیلری اولمسی دعاسی الله تعالی [illegible]

در حفظ حضرت سبحانی [illegible] اولدقلری حالده [illegible] مسرور اولمشم الحمد لله

[illegible] دولت [illegible] ثنای [illegible] تحریر [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] مقدس [illegible]

[illegible] صلح [illegible]

[illegible] مقدس [illegible] مطلبی [illegible]

[illegible]

[illegible] سلامت [illegible]

عالیجاه رفیع جایگاه عزت و جلالت پناه سعادت و شوکت دستگاه اجری مواجب زواری سال ...





31

Reçu le 15. juillet 1809.

حکم شد

آنکه عالیجاه رفیع جایگاه [illegible]

[illegible]

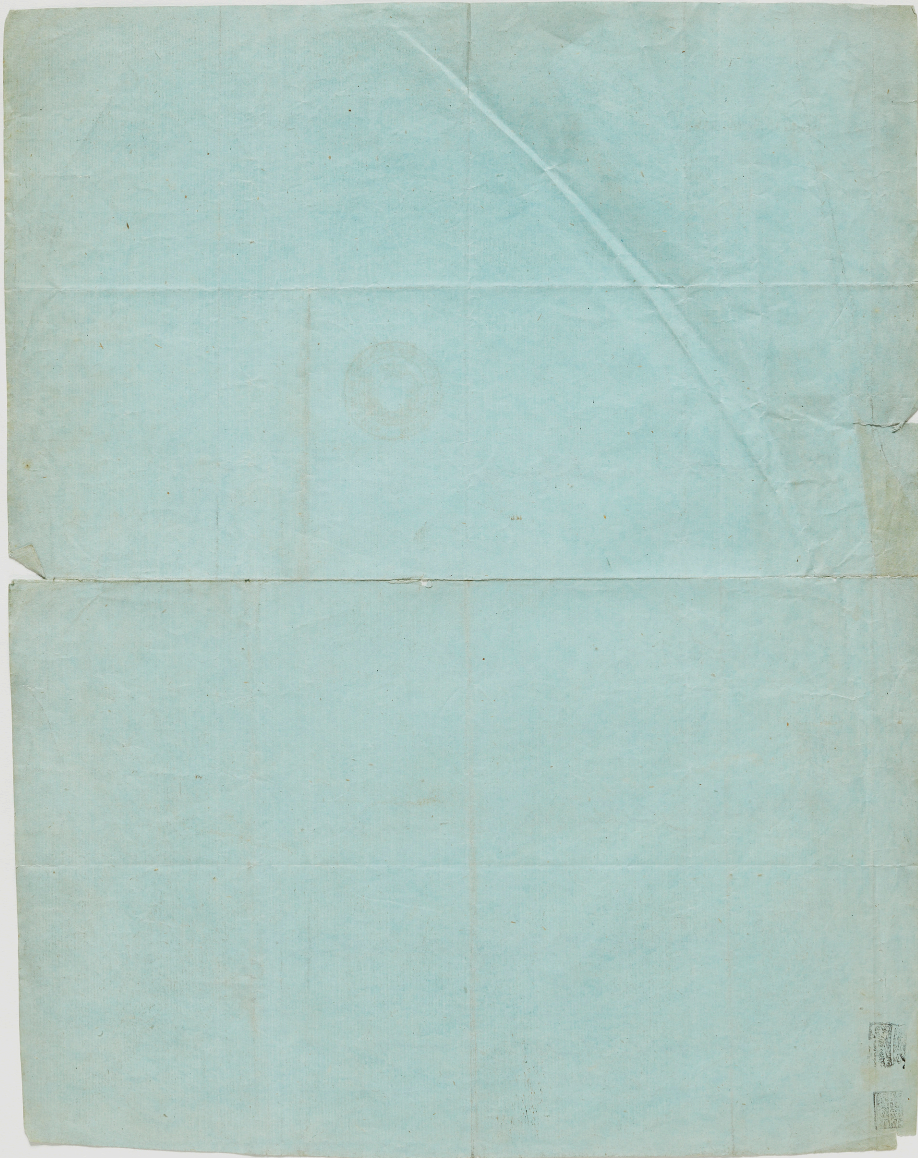
[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۲۲۴

[illegible]







حکم والا شد

آنکه چون [illegible] خلعت [illegible] رسول [illegible] حافظ الدوله [illegible]

که [illegible] در کارخانه مبارکه کمال ضرورت دارد [illegible] در سر [illegible] لهذا [illegible]

در الطاف [illegible]

١٢٢٣

[illegible]







مشفقا [illegible] ... ادراک صحبت موفور المسرت صفحه نگار صحیفه [illegible] وفاق گردد [illegible] مراسله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بحضور اعلی

[illegible] صاحب [illegible] الله [illegible]



عالیجاه رفیع جایگاه مجدت دستگاه صداقت و اخلاص آگاه جلالت و نبالت همراه امانت و مناعت دستگاه [illegible] الامرا المسیحیه لعاده الکبیر الدولة العلیه سفیر فرانسه آگاه

جنرال [illegible] صاحب [illegible] بداند که [illegible] در این اوقات رسید و [illegible] صداقت خدایان

[illegible] کارگزاران سرکار اجرا نموده بود معلوم رای صواب‌نمای [illegible] در الطاف [illegible] ازین اخبار مسرت و بهجت

[illegible] عالیجاه [illegible] اقبال همراه اعتماد الدوله العلیه [illegible] الوزاره [illegible] [illegible] خاطر [illegible] الله خواهد بود

[illegible] الله [illegible] و نموده مسابقت در خصوص [illegible] علیه نموده

[illegible] تاریخ حرکت [illegible] از میدان [illegible] [illegible] و در آن [illegible]

[illegible] در باره [illegible] حاکم [illegible] در [illegible]

[illegible] الله [illegible] ذات [illegible] الله [illegible]

[illegible] را [illegible] دارد [illegible] کارگزاران [illegible] اوقات [illegible] ضرور در کار [illegible]

[illegible] ارادت [illegible] را [illegible]

[illegible] ارادت [illegible] [illegible] روزنامه [illegible] خود را

در شهر [illegible] ذی الحجه [illegible] شوال المعظم سنه ۱۲۶۲

[illegible]

35

[illegible]

از دلداری [illegible] بستار [illegible] خاطر [illegible] [illegible] با اینهمه زحمت [illegible]

در ایران [illegible] ایشان [illegible] هستم [illegible] چشم [illegible] خواهان [illegible] و [illegible] مکاتبه [illegible]

از ملاقات خود خوشنود [illegible] و غیرت [illegible] عهدی دولت [illegible] وفاداری خود را [illegible]

[illegible] و دیگر آنکه [illegible] در باب خانه خود [illegible] اعتمادی [illegible] حسین [illegible]

خانه [illegible] از رسم عادیه [illegible] و سفارش [illegible] در [illegible]

[illegible] و خوشوقتی [illegible] الزام [illegible] [illegible] از صحبت خود [illegible]

دیگر آنکه چون میدانم [illegible] جاهی [illegible] دوران [illegible] مصر [illegible] مالک [illegible]

نایب السلطنه [illegible] بسیار [illegible] کاغذی [illegible]

از [illegible] حسن [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] کاغذ [illegible] اسلحه [illegible] داشتم کاغذی هم [illegible]

نوشته بودم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

دارم در حصول مطلب [illegible] خواهم [illegible] از دولت ایران در مقابل این [illegible] خود [illegible]

و سفارش [illegible] [illegible] روانه [illegible] در کار [illegible]

[illegible] فوراً [illegible] روانه [illegible] مالک رقاب [illegible] السلطنه [illegible]

و چون [illegible] چشم [illegible] از [illegible] از طرف [illegible]

[illegible] و [illegible] صلح [illegible] [illegible]

هوالله العزیز

مراسلهٔ محترمهٔ عالی • رقعهٔ [illegible] [illegible] [illegible] • فرزند [illegible] [illegible] حفظه الله

هو

حمد کامله مر آسمان خضرای سپهر فلکهای زنگار رنگ ماه و مهر منور و مظاهر نیرات پر نور سپهر وجود که

از ریحان سحاب دولت و ابواب مجهود بهار [illegible] کلبدار بر سر کلس [illegible] صفحه نوار صفحه

آشکار میگردد و چون همیشه اوقات محض اخلاص وسیله خیر نویسی مراسلات مینماید و در این اوان

عالی رضی الله شوکت و جلالت دستگاه حمایت و مناعت اکتناه معرب [illegible] صاحبی [illegible] اعلی [illegible] سعید [illegible]

مرحمت [illegible] آستان علیه عالیه اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه زمین و زمان روحنا و روح العالمین فداه

[illegible] لازم و واجب دیدم بدین مراسله الان محرک سلسله [illegible] در [illegible] عالی [illegible] ماه

از وقایع این ایام مخبر سازد و بعضی از تفقدات و مراحم بی کران پادشاهی روحی فداه [illegible] در مملکت

فارس نسبت بالولی خصوصا و قاطبه امنای دولت علیه عالیه فرانس خصوصا شامل [illegible]

[illegible] در آورد کلیتا لکه جمیع [illegible] و چاکران دولت [illegible] عدالت شاهی ظل اللهی روحی فداه

Lettre de Mouhammed Nébi Khan
reçue le 12 septembre 1808

عالیجاها رفیع ومنیع جایگاها عزت وسعادت ودستگاها عظمت وحشمت پناها مجدت وکرامت انتباها زبده [illegible] دام العالی

[illegible] مشفقا مهربانا غرض از تحریر وتسطیر این عریضه اینست که در خصوص وجه امانت خیر الحاج والمعتمرین حاجی زین العابدین تاجر ایرانی

که در نزد موسیو پاستوری باشه وآن عالیجاها من البدایه الی النهایه از این مقدمه اطلاع دارند و [illegible] هم سابق [illegible]

اخذ وبازیافت نمودن امانت مرحوم را از موسیو پاستور بازرگان فرانسه وکالت نامچه باسم آن عالیجاها قلمی [illegible] با اطلاع

وباستحضار ایلچی سابق ایران خدمت آن عالیجاها گردیده است ولیکن تا حال از چگونگی مصالحه [illegible] جواب [illegible]

حالی اینجانب نشده وجواب نرسیده متوقع است که زحمت قبول نموده امانت مرحوم را از موسیو پاستور اخذ وبازیافت [illegible] دارند

امانت [illegible] نگاهداشتن در هیچ مذهبی روا نیست وهم برای موسیو پاستور عیب است [illegible] که [illegible]





Lettre de Mirza Buzurk, reçue le 21, juillet 1808

[illegible]



Après les vœux & les complimens d'usage

[illegible]

Mirza accuse réception de la dernière lettre qu'il a reçue de S. E. Mr. le Général

[illegible]

Gardane ; et témoigne la joie qu'il a éprouvée en apprenant le rétablissement de la santé de S. E, et qui a heureusement et bientôt remplacé la peine et la douleur que lui avait donné l'avis de sa Maladie

[illegible]

[illegible]

La lettre que S. E. avait écrite à S. A. S. est parvenue sous les yeux du Prince,

[illegible]

et la réponse en est expédiée par ce courrier ; sans doute que l'arrivée de cet écrit donnera à S. E. de nouveaux témoignages de la bienveillance du Prince envers S. E.

[illegible]

et qu'Elle s'en trouvera très-honorée. Mirza espère que le Général continuera toujours de lui adresser des lettres amicales, et que par là S. E. remplira toujours les devoirs de l'amitié & de l'étroite union qui lient les deux Empires.

[illegible]

[illegible]

صورت فرمان شاهی

که چون مراسم حقگذاری دوستی و [illegible] دو دولت علیتین [illegible]

اخلاص و ارادت بدرگاه [illegible] المسیحیه [illegible] سر تیپ کلی سرداران که [illegible]

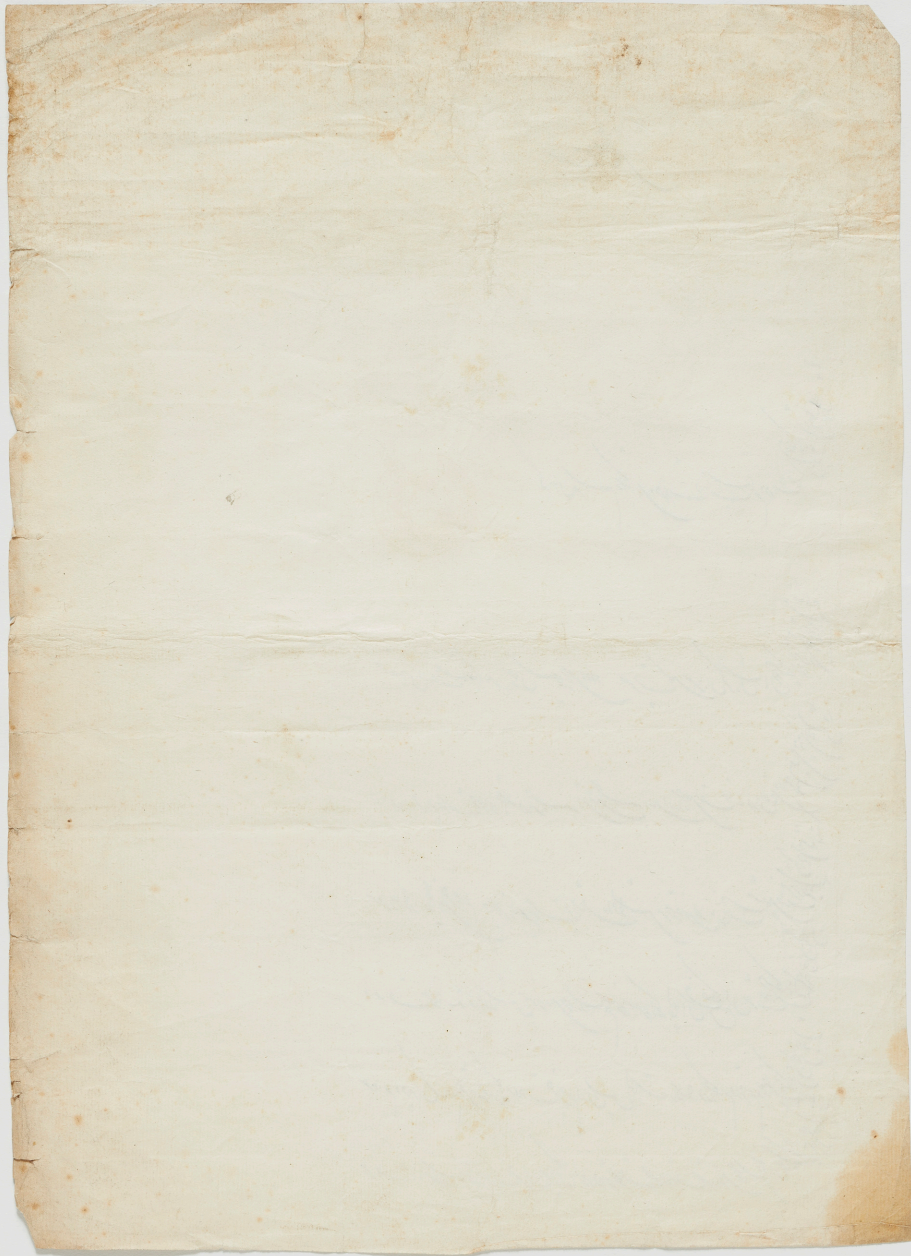
درباره او مرحمت [illegible] شاهانه [illegible] لقب خان [illegible]

[illegible] مرتبه [illegible]

و صداقت [illegible]

عظام [illegible] فرمان مبارک که سعادت [illegible]

مخاطب و ملقب [illegible] صورت فرمان مبارک [illegible] ۱۲۳۹



40



مرحمت انتما مقرب الخاقان ... وزارت مآب والا ... دار السلطنه ... [illegible]

نسبت ... دار الدوله ... جمعیت ... دار السلطنه ... آقا ... [illegible]

... چند عراده توپ ... در قلعه ... [illegible]

بسمع ... دار الدوله ... جمعیت ... زبدة الخوانین ... صاحب ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

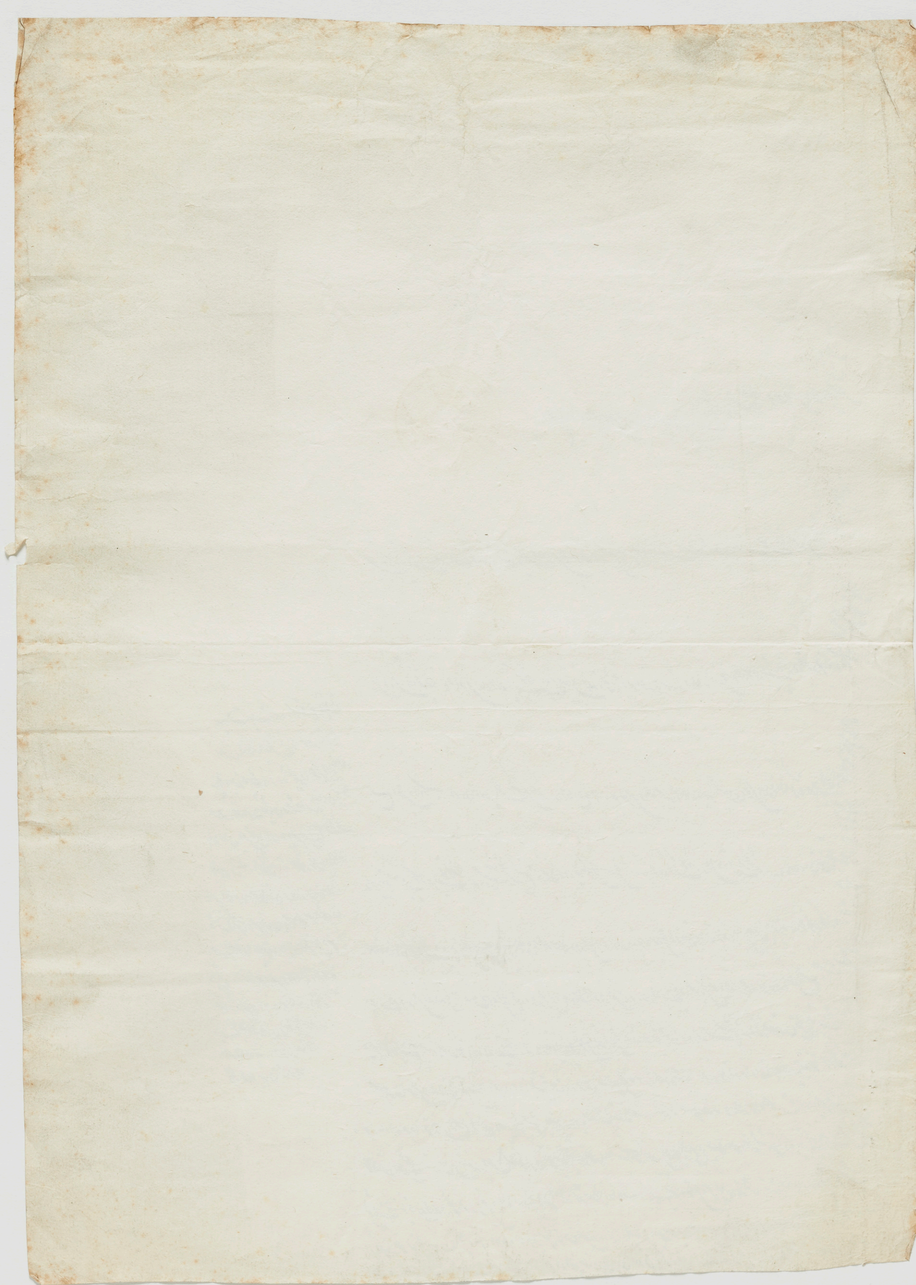
... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

به ساعت ... آمده ... هم ...
... زبدة ... عالیجاه ...
... فتوحات شاهانی ...
... دلیری ...
... مقرب ...
امیر الامراء العظام سرداران ...
فرزندان ... سرحدان ...
... المقربه ... الملک ... دلیر
... سررشته داران ...
... شرح ... دالان ...
... معروض ...
معروض ... شده ...
... شعبان ۱۲۳۳





سواد فرمان همایون شاهنشاهی که بنام نواب مستطاب ... السلطنه العلیه ... شده

... ممالک ... خراسان ... [illegible]

[illegible]

به بابا لیلی، از مصطفی وقایع نگار

42

Reçu le 30. août 1809

عالیجاها رفیع جایگاها [illegible] مشفقا مهربانا [illegible]



همواره در صحت و سلامت باشید [illegible] مودت [illegible] مراتب مودت و مواصله

در این اوقات [illegible]

خدا عالم است که از مفارقت آن [illegible] تأسف دارد [illegible]

بار خاطر دوستی [illegible] شرح توان کرد [illegible]

[illegible]

[illegible]

خاطر [illegible] همیشه [illegible] سلامتی احوال [illegible]

عليه ربع كيف

دولت وعشر همره عمده الكار المسيحه موسى روابين



43

Devaux

آنکه چون عالیجاه [illegible] عمدة الاعیان المسیحیه قدوة الارکان العیسویه موسیو [illegible] صاحب منصب جنرالی

این دولت علیه است [illegible] انتظام [illegible] کهای نوکر [illegible] امور [illegible] اعتبار [illegible] لهذا از [illegible] بمنصب [illegible] سرباز [illegible]

Tebrizi

تبریزی

افواج نظام [illegible] بعهده اهتمام او محول و موکول [illegible] این [illegible] او را [illegible] مشمول فرمودیم [illegible] تبریزی [illegible]

متوکل

که سابق بر این [illegible] از تاریخ [illegible] ۱۲۳۴ [illegible] که [illegible] ارکان [illegible] سرکار والا [illegible]

[illegible] چنانچه باید و شاید [illegible] معلم [illegible] و مقرر

[illegible] و سردسته‌گان نایبان و علمداران و وکیل‌باشیان و وکیلان و نویسندگان و سرجوقه‌گان [illegible] استقلال

[illegible] اطاعت و متابعت [illegible] سررشته [illegible] رتبه [illegible] ضبط [illegible]

تحریراً [illegible] ۱۲۳۵

سرتیپ	Colonel	
یاور	Lieutenant Colonels	یاور
سردستگان	Capitaines.	
نایبان	Lieutenants	
علمداران	Porte drapeaux.	
وکیلباشیان	Sergents majors	
وکیلان	Sergents	
نویسندگان	Fourrier	
سرجوقه‌گان	Kaporaux	

1235. Djem. II.

١٢٣٥م = 20 oct. 1819.

م	30	12.	en oct. 1819.
ص	29	30	n.
ر	30	31	D.
ر	29	31	J. 1820.
جا	30.	29.	F.
	148.	133	
	133.		
	15. = mars = fin de جا		

Ce firman est de l'époque même du Newrouz 1820, ou de l'équinoxe du printemps

44

بمغرب تاجداری عدل پرور
بمشرق شهریاری دادگستر

یکی در رزم با لقمان عطارد
یکی از ماه با مه‌پاره اکبر

بچین اندر از آن در ناله خاقان
بروم اندر از این در مویه قیصر

یکی نور ایزدی گوئی در دو جوهر
یکی روح خدا گوئی در دو پیکر

یکی ماه منور در دو گردون
یکی شاه فلک فر در دو کشور

بهر یک فر و بینش در دو دارا
جهانی داد و دانش در دو داور

یکی در جوهر اسکندر ثانی
یکی در کر و فر افلاک محور

ازان بیم و بیابان در دشت و در کوه
ازین پایاب‌ها آن در بحر و در بر



یکی در کینه چون پیچیده بیژن
یکی در حمله چون عمرو معدی

بداندیشان این آن را و چون
هم او آن آن این چاره و مضطر

یکی در دشت کین چون شیر دریا
یکی در بیشه زین شیر دلاور

در ایران شهنشه جمله آرا
بتوران این شهر بر کشیده

ازان مغرب چو مشرق صبح و تابش
ازین مشرق چو مغرب شام و زیور

یکی فر خدائی راست مظهر
یکی ذات الهی راست مظهر

هم آن را مهر این همواره در دل
هم این را شوق آن همواره در سر

یکی در ملک بحر و عمان
یکی در ارز و کشمیر و خاور

بشرق و غرب یارب جاودان باد
بهم هر دو دوستی دل برابر

جهان را این دو جاویدان خداوند
خداوند جهانشان یار و یاور

هم آن را اوج گردون باد اورنگ
هم این را مهر تابان باد افسر

45



عالیجاها رفیع جایگاها عزت و شوکت همراها [illegible] مشفقا

همواره [illegible] [illegible] محمد [illegible]

مرتبه [illegible]

در [illegible]

رسیده [illegible] جنرال [illegible]

در [illegible]

دارا خوان [illegible]

همواره [illegible]

[illegible] احمد الله [illegible] صاحب [illegible]





Fermán adressé au Schah-Zâdè abbas Mirza par le Roi,
et remis le 25 juillet 1807. — (Copie).

Pour copie conforme

J. M. Jouannin

Duplicata.

Ici est apposé le cachet du Vézir.

J. M. Jouannin

94

1222 = 11. mars 1807.

30	21. mars
29	30. a
30	31. m
29	30. j
118.	112
112.	
6.	juillet — 30

. . . . = 7. juillet au 5. août

(vers la mi juillet)

1807.

1223 = fev 1808 — (28.

29.	27. fev "
30.	31. j. 1808
29.	31. d. 1807
30.	30 n. "
29.	31. o "
30.	30 s. "
29	31. a. — "
206.	211
	206
	5

آنکه بها را نام خلافت عظمی و بهار عموم اسلام کبری نایب السلطنة العلیة العالیة عباس میرزا [illegible] عرفا

خاطر مهر [illegible] انصاف [illegible] [illegible] که [illegible]

[illegible] همایون جلوه گر [illegible] ملک داری [illegible]

[illegible] خاطر [illegible] صاحب [illegible] ممالک [illegible] سپاهی [illegible]

[illegible] مناصب [illegible] صلاح [illegible]

[illegible] که [illegible] ارادت [illegible]

[illegible] محصوص [illegible] صداقت [illegible] خلاف [illegible]

[illegible] صلاح [illegible] ایران [illegible]

[illegible] صلاح [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] خاطر [illegible]

[illegible] سنه ۱۲۲۲

[illegible]

امروز که روز شنبه شانزدهم ماه رجب قبله عالم و عالمیان روحی فداه ما را در خلوت



خاص احضار فرمودند و مقرر داشتند که قبل از آمدن [illegible] حال اظهار نمائید که

از حضرت ناپلیون اعظم خبری نداریم نامه و آدمی از طرف ایشان بحضرت ما نیامده است

نمیدانیم چه جهت دارد که از طرف یوسف پاشا سرعسکر روم و از جانب روس بعضی خبرها رسیده است

که حضرت ناپلیون با روس مصالحه کرده و بقول یوسف پاشا روم را در مصالحه داخل کرده اند

و برای ایران خبری معلوم نشده [illegible] دارم که آیا ایران را داخل کرده باشند

یا نه ما عرض کردیم اگرچه خبری در باب [illegible] رسیده است اما ما این فقره مصالحه را

دروغ میدانیم هرگاه این فقرها واقعی باشد حکما فقره ایران داخلست اظهار

مرحمت و تعطف اندازه بجا کردند و فرمودند که با داشتن این حرفها و خبرها غصه

نخورید و بیدماغ باشید الله الحمد که ما برادر خود حضرت ناپلیون را با این قدری

تعصب و غیرت نمیدانیم که چنانکه بنای مصالحه نمود فقره روم را داخل و ایران [illegible]

[illegible]

وحضرت ناپلئون اگر نشود و نخواهد شد امسال در اول بهار توپهاش آمده صبر و تاملی نکرده که

عساکرها هم جمع شده با اتفاق کرده بدعوای [illegible] بروند کم حوصله که نخفه خودش به [illegible] رفته سکته خورده

آخرها عث جرات روسیه شده [illegible] که توپها دعوا اسکندر [illegible] ارس [illegible] داده آدم [illegible]

از اینها بقدر میرسید حالا چهار ماه است که سه هزار توپها در سرحد ولایت نشسته هر روز در نوشته

و ادعاش می‌آید که امروز فردا خواهیم آمد و اینهم از قارص بیرون نیامده است حالا کاغذ

مینویسد که با روسیه صلح کردیم شما برگشته بولایت ایروان بروید خلاصه ما با برادر خود

حرفی نزده و عهدی کرده‌ایم تا از دختر ما نرسد ما [illegible] برای شمشیر و لگد حرفی و [illegible]

نداریم باز هم با چندین دفعه فرموده که شما مگر [illegible] نباشید روز بروز

[illegible]

48

[illegible] اعتبار زبدت [illegible]

عالیجاه [illegible] عمدة الاشراف المسیحیه و زبدة الاکابر العیسویه موسیو [illegible] که [illegible]



[illegible] لهذا [illegible]

[illegible] که این [illegible] اهتمام [illegible] عیسویت [illegible] همدان [illegible]

[illegible] دلیل [illegible] بموجب [illegible]

این [illegible] استظهار [illegible] هر ساله [illegible]

[illegible] موجب [illegible] صرف معاش [illegible] سرمایه اعتماد [illegible] کمال

[illegible] مقرر [illegible]

[illegible] ۱۲۴۴ [illegible] عالیجاه [illegible] همه ساله [illegible]

[illegible] در دفاتر [illegible] ضبط [illegible] تغییر و تبدیل [illegible] تعدیل [illegible]

.1237 م = 28. Sep 1821.

30. م
29. ص
30. ر

69

3 s
31. o
30. n
31. d. —

95.
89

6.

25. déc. 1821 — 23. Janv 1822

Dans les 1ers j. de Janv

1822

م 1238 — 18. Sept. 1822

29 ب.
30 دا
29. ش
30. ن
29 ل
30. ب
29 ج
30. جا

236.
229

7

17 s
31 a
31 j.
30 j.
31. m
30. a
31. m
28. f

229

31 —
7

24

1237 م = 28. Sep 1821.

30.	م	3	s
29.	ص	31	o
30.	ر	30.	n
89		31.	d.
		95.	
		89	
		6.	

25. déc. 1821 — 23. Janv[er] 182[2]

Dans les 1[ers] j. de Janv[er] 1822

م 1238 — 18. Sept. 1822

29	ر		
30	را		
29.	ش		
30.	ل		
29	ل	17	s
30.	ب	31	a
29	ح	31	d.
30.	جا	30	j.
236.		31.	m
229		30.	a
7		31.	m
		28.	n
		229	

31 —
7
24

